

بررسی تاریخ انقلاب اکتبر ، ساختمان سوسیالیسم در شوروی آن طور که بوده
و نه آن طوری که امپریالیست‌ها جعل و تحریف کرده‌اند

(2)

توطئه‌ی بزرگ بر علیه اتحاد جماهیر شوروی

مایکل سیرز- آلبرت کان

کتاب سوم : ستون پنجم در روسیه

برگردان : الف نسیم

اپوزیسیون چپ

ترتسکی ابتدا به عنوان کمیسر خارجی و سپس به عنوان کمیسر جنگی، معروفترین سخنگوی مخالفان بلشویک‌ها در درون حزب بود. ما در گذشته در مورد فعالیت‌های ستیزه گرانه‌ی او به عنوان کمیسر خارجی در جریان‌ات موسوم به بحران برست لیتوفسک صحبت کرده‌ایم. (رجوع شود به کتاب دوم)

پس از این که از سمت کمیسر خارجی خلع شد، ترتسکی آشکارا اعتراف کرد که موضعی غلط را در مورد برخورد به لنین در جریان‌ات برست - لیتوفسک اتخاذ کرده بود و مجدداً اعلام کرد که بدون هیچ قید و شرطی آماده است که با لنین همکاری کند. و بدین ترتیب به ترتسکی سمت جدیدی که به نظر بیشتر مناسب خصوصیاتش شامل سازماندهی و سخنوری او بود داده شد. او به عنوان کمیسر جنگی انتخاب شد.

طراح مواضع سوق الجیشی نظامی و رهبری ارتش سرخ در مجموع در دست استالین، فرونزه، وروشیلوف، کیروف، شچورز و بودیونی بود. به عنوان کمیسر جنگی، ترتسکی نه تنها به مشاورت با ژنرال‌های باقیمانده از دوران تزار که او را محاصره کرده بودند، اکتفا نمی کرد، بلکه پای خود را از مرز مسئولیت‌های داده شده فراتر گذاشته و با تصمیمات اتخاذ شده از طرف بلشویک‌ها مخالفت میکرد. نظامیان هوادار بلشویک‌ها در صورت مخالفت با تصمیمات اتخاذ شده از طرف ترتسکی تهدید به اعدام میشدند که بارها با دخالت مستقیم کمیته مرکزی حزب از اعدام نمایندگان ارتشی در جبهه توسط ترتسکی جلوگیری شد.

در تابستان ۱۹۱۹ ترتسکی اعلام کرد که کالچاک در شرق تهدیدی به حساب نمی آید، و پیشنهاد کرد که سربازان ارتش سرخ برای نبرد علیه دنیکن در شرق اعزام شوند. استالین ثابت کرد که به این وسیله به کالچاک فرصتی جهت سازماندهی مجدد و مجهز کردن دوباره‌ی ارتشش جهت تهاجمی دوباره داده میشد. " ما می باید اورال را ترک کنیم" استالین به عنوان نماینده‌ی نیروهای مسلح کمیته مرکزی مینویسد: " کارخانجات و صنایع راه آهن نمی باید در اختیار کالچاک، قرار میگرفت چرا که او میتواند به راحتی دهقانان مرفه - کولاک ها را گرد خود بسیج کرده و به سمت ولگا پیشروی کند". طرح‌های ترتسکی مورد قبول کمیته مرکزی واقع نگردید و ماموریت جدیدی به او در جبهه‌ی شرق که در آنجا نیروهای کالچاک شکست سنگینی را متحمل شدند ، داده نشد.

در پانیز ۱۹۱۹ ترتسکی طرحی را جهت مبارزه بر علیه دنیکن پیشنهاد کرد. بر اساس این طرح، یورش بر علیه دنیکن از میان استپ های دون که از میان راههایی غیر قابل عبور و مملو از ضد انقلابیون قزاق می گذشت انجام میشد. استالین که از طرف کمیته‌ی مرکزی به جبهه‌ی جنوب فرستاده شده بود، طرح او را رد کرده و گفت که به جای آن، حمله‌ی ارتش سرخ باید از مناطقی از دون که دارای تجهیزات راه آهن، معادن ذغال و ظرفداران کارگران در آن زندگی میکنند، آغاز شود. طرح استالین مورد قبول کمیته‌ی مرکزی واقع شد. ترتسکی را از جبهه شرق به محل دیگری منتقل

کردند و به او فرمان دادند که دیگر در مسائل مربوط به آن منطقه دخالت نکرده و تمام ارتباطات خود را با آن منطقه قطع کند. دنیکن بر طبق نقشه‌ی استالین دچار شکست مفتضحانه‌ای شد. یکی از رفقای نزدیک کمیسر ترتسکی، سرهنگی باقی مانده از دوران تزار بنام واتستیس بود که به عنوان فرماندهی ارشد در جبهه شرق همراه با ترتسکی بر علیه کالچاک می‌جنگید. دولت شوروی موفق به کشف توطئه‌های او بر علیه فرماندهان ارتش سرخ شد. او را از پست خود خلع کردند. ترتسکی در کتاب "زندگی من" در حمایت از همکار قدیمی خود مینویسد:

"وقتی که واتستیس بر سر ذوق بود، دستوراتی صادر میکرد که از آنها چنین به نظر می‌آمد که کمیته‌ی مرکزی و یا کارمندان دولت وجود خارجی نداشتند. او متهم به اقدامات و داشتن ارتباطات مشکوک شد. این مرد قبل از رفتن به رختخواب، شاید که داستان زندگی ناپلئون را خوانده بود و یا با یک و یا چند افسر جوان از رویاهای خودخواهانه خود صحبت کرده بود."

تعداد افراد اپوزیسیون چپ در میان بلشویک‌ها از لحاظ کمی اندک بود. آنها ارتباطات بسیار وسیعی در داخل و خارج از روسیه در میان منشویک‌ها و سوسیالیست‌های انقلابی داشتند. طی روزهای اول انقلاب آنها پست‌های مهمی را در ارتش، در میان هیئت‌های سیاسی و ارگان‌های اجرایی به اشغال خود در آوردند.

ترتسکی پست رهبری اپوزیسیون را با دو نفر از مخالفان دست چپی: نیکلای بوخارین لاغر اندام با موهای طلایی روشن و به گفته‌ی خود "متفکر مارکسیسم" و رهبر گروهی به نام "کمونیست‌های چپ" و گریگوری گنورگی زینویف قد کوتاه و تنومند، سخنور و مبلغ ماهر دست چپی که با همراهی برادر زن ترتسکی لئو کامنف که فرقه‌ی خود به نام "طرفداران زینویف" را رهبری میکردند، تقسیم کرده بود.

ترتسکی، بوخارین و زینویف اگر چه بر سر مسائل تاکتیکی و رقابت‌های شخصی بر سر مقاصد مختلف سیاسی با یک دیگر مشاجره میکردند، ولی در لحظات تعیین کننده جهت به دست گرفتن قدرت سیاسی در روسیه با یک دیگر متحد میشدند.

از میان پیروان ترتسکی میتوان از یوری پیاتاکف، پسر یک اوکراینی تروتمند که در اروپا تحت تاثیر ترتسکی قرار گرفته بود، کارل رادک لهستانی، یک روزنامه نگار و مبلغ برجسته "دست چپی" که در سوئیس و در رابطه با مخالفت با لنین با ترتسکی هم‌نوا شده بود، نیکلای کرسینسکی، یک وکیل جاه طلب قدیمی و نماینده (سوسیال دموکرات) بلشویک در دوما، گریگوری سوکولنیکوف، یک دست چپی جوان که با کمک ترتسکی مقامی را در دستگاه وزارت خارجه شوروی بدست آورده بود، و کریستین راکوسکی بلغاری، فردی متمول که به سوسیالیست‌های رومانی کمک مالی میکرد، در اکثر شهرهای اروپایی زندگی کرده بود، در فرانسه مدرک پزشکی خود را گرفته بود، را نام برد.

به این ترتیب به عنوان کمیسر جنگی، ترتسکی خود را در محاصره‌ی گروهی افراد سرسخت، سربازانی بی هویت که "گارد ترتسکی" را تشکیل داده و به رهبر خود خدمت میکردند در آورده بود. یکی از مشهورترین اعضای ارتش ترتسکی نیکلای مورالوف، با قدی به درازای دو متر، با طبعی گستاخ که سمت فرماندهی پادگان مسکو را عهده دار بود. ایوان سمیرنوف، سرگنی مراچکوفسکی و افرانیم درایتسر از اعضای گارد مخصوص ترتسکی بودند. قاتل معروف گراف میرباخ، تروریست و سوسیال انقلابی سابق، فردی به نام بلومکین سمت گارد مخصوص ترتسکی را به عهده داشت. در آوریل ۱۹۳۷ ترتسکی نظرات خود را در مورد بلومکین قاتل به شرح زیر اعلام میکند:

"او عضو ارتش سری من در دوران جنگ و مستقیماً در رابطه با من بود. او سابقه‌ی بسیار عجیبی داشت. او از اعضای فراکسیون چپ انقلابی بود و در شورش بر علیه بلشویک‌ها شرکت کرده بود. او بود که سفیر آلمان، میرباخ را به قتل رساند. من او را در ارتش سری خود استخدام کردم و هر لحظه که به مردی شجاع نیاز داشتیم، او در خدمت من بود."

ترتسکی تعداد بسیاری افسران تزاری را نیز مجذوب خود کرده بود. او با آنها رابطه بسیار دوستانه‌ای برقرار کرده و علیرغم اخطارهای مکرر بلشویک‌ها به آنها پست‌های بسیار مهمی داده بود. یکی از افسران تزاری که او طی عملیات جنگی در لهستان رابطه‌ی بسیار خوبی با او برقرار کرده بود، میکانیل نیکولایویچ توخاچفسکی نام داشت. یک فرمانده با افکار ناپلئونی.

هدف این اپوزیسیون چپ متحد، سرنگونی لنین و به دست آوردن قدرت در شوروی بود. آن سؤال بزرگی که انقلابیون روسی پس از شکست حمله و مداخله‌ی ارتش‌های سفید با آن روبرو بودند، آن بود که قدرت شوروی باید در کجا متمرکز شود. ترتسکی، بوخارین و زینویف بر این نظر بودند که ساختمان سوسیالیسم در کشور "عقب افتاده‌ای مانند روسیه" قابل پیاده شدن نیست. اپوزیسیون چپ قصد داشت که انقلاب روسیه را به مخزنی برای "انقلاب جهانی" تبدیل کند، مرکزی انقلابی جهت ترویج انقلاب در کشورهای دیگر. لنین و استالین بارها بر این امر تاکید کرده بودند که اگر لباس تغییرات مافوق انقلابی را از مواضع اپوزیسیون چپ جدا کنیم، چیزی به جز نزاع بر سر بدست گرفتن قدرت برای این اپوزیسیون باقی نمی ماند، "هرج و مرج بی بند و بار"، و در داخل روسیه یک دیکتاتوری نظامی، تحت فرماندهی کمیسر ترتسکی و هوادارانش.

حل این مسئله به کنگره‌ی حزب در روسیه در دسامبر ۱۹۲۰ کشیده شد. کمبود غذا و سرما بیداد کرده و در مجموع سال بسیار بدی بود. کنگره در سالنی به نام سالن ستونها در مسکو برگزار میشد. شهر مملو از برف، سرمازدگان و بیماران بود. در آن سالن بزرگ، که به علت کمبود سوخت، بسیار سرد بود، هیئت‌های روسی، خود را در پتوها و پالتوهای پوستی پیچیده و از سرما میلرزیدند. لنین با صورتی رنگ پریده، آشفته و ضعیف شده از گلوله‌ی زهر آگین شلیک شده از طرف فانیا کاپلان که نزدیک بود منجر به قتل او در سال ۱۹۱۸ شود، در جلسه حاضر شده بود. او از سکوی خطابه بالا رفت و به اپوزیسیون چپ جواب خود را ارائه داد. او شرایط وحشتناک جاری در روسیه را برای حضار در جلسه توضیح داد، همه‌ی مردم را جهت بازسازی اقتصاد و زندگی اجتماعی دعوت به اتحاد کرد و متعاقب آن سیاست نوین اقتصادی نپ که هدفش لغو سیاستی که به "کمونیسم جنگی" معروف بود را مطرح کرد. او گفت که باید تا اندازه‌ای اجازه به برقراری روابط خصوصی تجاری داده شود و از این طریق راه را برای احیای اقتصاد روسیه باز و آسانتر کرد. لنین گفت: "ما یک قدم به عقب برمی‌داریم تا این که بتوانیم در آینده دو قدم به جلو برویم". وقتی لنین در مورد آن "عقب نشینی موقتی" و سیاست نوین اقتصادی صحبت کرد، ترتسکی گفت: "نافوس مرگ دولت شوراها به صدا در آمد"

اما لنین بر این باور بود که کار دولت شوروی تازه آغاز شده بود. او خطاب به کنگره چنین گفت: "تنها زمانی که کشور مجهز به نیروی برق شد، وقتی صنایع، کشاورزی و وسایل حمل و نقل بر پایه صنعت و تکنیک پایه گذاری شده و تولیدات بزرگ مدرن احیا شدند، ما میتوانیم ادعا کنیم که پیروزی را به کف آورده ایم."

نقشه‌ی بزرگی از روسیه بالای سکوی خطابه آویزان بود. با اشاره‌ی لنین به دکمه‌ای فشار داده شد و نقشه در یک آن روشن شد. با این عمل لنین میخواست نشان دهد که چه طرحی برای بازسازی کشورش دارد. روشنایی برق بر روی چند قسمت بزرگ نقشه میدرخشید، سدهای بزرگ، نیروگاه‌های برق و دیگر تجهیزات بزرگ، از کجا نیروی برق تولید خواهد شد و نیروگاه‌های برق در کجا ساخته خواهند شد و این که چگونه روزی این نیروی برق، روسیه را تبدیل به یک کشور مدرن، صنعتی و سوسیالیستی خواهد کرد را به هیئت‌های شرکت کننده در جلسه که از سرما منجمد شده بودند، نشان میداد. موجی از هیجان، هیاهو و بدگمانی در میان اعضای شرکت کننده در سالن بزرگ یخ زده آغاز شد.

دوست ترتسکی کارل رادک، از میان عینک کلفت نگاهی به آن نمایش و توضیح پیغمبر گونه انداخت، شانه‌های خود را بالا انداخت و پچ پچ کنان گفت: "الکتریفیکاسیون!" حاضر جوابی رادک تبدیل به یک شعار ترتسکیستی شد. بوخارین گفت لنین کوشش میکند که دهقانان را فریب داده و کارگران را با "حرف‌های خیالی در مورد نیروی برق فریب دهد."

بیرون از روسیه دوستان و هواداران بین المللی ترتسکی در میان جریانات سوسیالیستی و کمونیستی چپ متقاعد بودند که دولت لنین محکوم به شکست بود. حتی بسیاری از دیگر ناظران بر این باور بودند که ترتسکی و اپوزیسیون چپ قدرت را در دست خواهند گرفت. مفسر خارجی آمریکایی ایزاک اف. مارکوسن، اعلام کرد که ترتسکی "از پشتیبانی جوانان کمونیست، اکثریت افسران و فرماندهان اصلی ارتش برخوردار است". اما دنیای خارج همانند خود ترتسکی در مورد قدرت خود و محبوبیتش زیاده روی میکردند.

در کوشش جهت جلب هوادار، ترتسکی به شهرهای مختلف کشور مسافرت کرد و با ایراد نطق‌های زهر آگین، "بلشویک‌های قدیمی" را متهم به انحطاط میکرد و جوانان را تشویق میکرد که از حزب او حمایت کنند. اما سربازان روسی، کارگران و دهقانان، بیدار از پیروزی مبارزه شان بر علیه ناپلئون‌های سفید با برنامه، قصد این را نداشتند که به "ناپلئون قرمز" اجازه ظهور دوباره بدهند. همان طور که برنارد پاورس در کتاب خود به نام تاریخ روسیه در باره‌ی رفتار تروتسکی نوشت:

"یک منتقد تیزبین، که ترتسکی را از نزدیک ملاقات کرده بود، به درستی گفت که، این مرد با این طبع و روش‌های خود تعلق به دوران قبل از انقلاب دارد". تاریخ آدم فریبان هوچی به پایان رسیده است.....

در دهمین کنگره‌ی حزب بلشویک‌ها، در مارس ۱۹۲۱ کمیته مرکزی و در رأس آن لنین، اپوزیسیون‌های مختلف داخل حزب را محکوم کرده و آن را یکی از عوامل از هم پاشیدگی اتحاد میان رهبری حزب قلمداد کرد. از این به بعد تمامی رهبران حزب باید در مقابل قوانین تصمیمات گرفته شده از طرف اکثریت اعضای حزب تبعیت نمایند، در غیر این صورت از حزب اخراج خواهند شد. کمیته‌ی مرکزی بخصوص به "رفیق ترتسکی" به خاطر فعالیت‌های خرابکارانه‌اش در حزب هشدار داد و تأکید کرد که "دشمنان دولت" از این نفاق که به خاطر فعالیت‌های او بوجود آمده، سود برده، در حزب نفوذ کرده و خود را "ترتسکیست" مینامند. تعدادی از رهبران ترتسکیست‌ها و دیگر مخالفان چپ تنزل رتبه گرفتند. رهبری نظامی پادگان مسکو که در اختیار نیکلای مورلوف، یکی از همکاران نزدیک ترتسکی بود از او گرفته شد و بجای او یک بلشویک قدیمی به نام کلمنت وروشیلوف به فرماندهی پادگان منصوب شد.

سال بعد در مارس ۱۹۲۲ ژوزف استالین به سمت دبیر اول حزب انتخاب شد و مسئولیت عملی کردن طرح‌های لنین را به عهده گرفت.

اخطارهای روشن و تنزل درجه‌ی طرفداران ترتسکی، باعث از هم پاشیدگی هواداران ترتسکی شد. قدرت و نفوذ او رو به زوال رفت. انتخاب ژوزف استالین ضربه بزرگی بر اپوزیسیون ترتسکی در سازمان حزب وارد کرد. قدرت در حال بیرون رفتن از دست ترتسکی بود.

* * * * *

بهمن ادیب 2006/12/19